

درباره مینی سریال «گامبی وزیر»؛ چگونه یک سوژه سخت به درامی جذاب در ژانر ورزشی تبدیل شد

الگوی سفر قهرمان هنوز کار می‌کند



به نام الکل. تا اینجا هیچ خبری از سیاست نیست. حالا درام شکل گرفته و شخصیت اصلی دارای جذابیت برای مخاطب است. قصبه به کشتش لازم رسیده است. تعلیق رقابت با بورگوف ادامه داستان را دارای جذابیت می‌کند. حالا وقت آن است از سیاست هم حرف زده شود و ما به دانش پیشین خود اعتمادی دوباره می‌کنیم و آن اینکه درام‌های آمریکایی همه سیاسی هستند. حتی اگر علیه چیزهای دیگری ساخته شده باشند؛ مثل گامبی وزیر. نمایش چهره‌های خشن از شوروی در برهه‌های از داستان، قسمت‌های بعدی را کمی قابل پیش‌بینی‌تر می‌کند. حماقت‌های دوران جنگ سرد از ۲ طرف یادآوری می‌شود تا سریال متهم به آمریکایی بودن نشود اما آمریکایی است. بحران و کشمکش در قسمت‌های بعدی و در نهایت بازگشت به خویشتن؛ الگویی درست برای سریال‌سازی. آن هم درباره سوژه کم‌مخاطبی که در سکانسی خیلی خوب معرفی می‌شود. در دانشگاه، در سالنی با ۵-۴ تماشاگر، بن به بنی قبل از رقابت می‌گوید: اگر یک تورنمنت گلف یا تنیس بود، خبرنگار ادور و برون رو می‌گرفتند او بعد تصویر روی مرد میان‌سال می‌رود که چرت می‌زند.

شطرنج بر طرفدار نیست جز در شوروی. اعجاز سریال هم همین است که یک سوژه کم‌مخاطب با اقتباس از رمان تاریخ را وارونه می‌کند تا روس‌های همیشه برنده شطرنج، به یک دختر بچه آمریکایی بیازند.

محمدرضا کر دلو: «قسمت اول را جدی گرفتن» شاید راز دیده شدن یکی از پر طرفدارترین سریال‌های هفته‌های اخیر باشد. حرف زدن درباره «گامبی وزیر» را- بیشتر سینمایی نویسان و منتقدان- با این سوال شروع می‌کنند: چطور می‌شود از یک بازی فکری مثل شطرنج، یک درام تمام‌عیار ساخت که اتفاقاً در دسته‌بندی‌های ژانری نیز ذیل گونه ورزشی قرار گیرد؟ گونه‌ای که به رغم داشتن ظرفیت‌های اساسی در قصبه‌گویی در سینمای ما خیلی کم مورد توجه قرار می‌گیرد. «گامبی وزیر» نمونه‌ای موفق در این گونه است. ماجرا از یک حادثه شروع می‌شود. در وضعیت جدید، عشق به شطرنج شکل می‌گیرد. بر اساس آنچه از الگوهای سفر قهرمان می‌دانیم، راهنما و رهبری در وضعیت جدید در مسیر آموختن به شخصیت اصلی کمک می‌کند. الیزابت مطرح می‌شود. مواعی پیش‌روی او قرار می‌گیرد و موقعیتی بحرانی برای او به وجود می‌آید. در همین قسمت اول الگوها درست و تا چه اندازه موقعیت دارای کشمکش و شخصیت دارای کنش است. دوباره حادثه، وضعیت جدید، تلاش برای دیده شدن، رقابت و شکل گرفتن فضای هیجانی حول رقابت و هر بار رقابتی بزرگ‌تر، پیدا کردن تعریفی از عشق به شطرنج در همین قسمت شکل می‌گیرد: «شطرنج مثل زندگی است. امت است. امت است. می‌توانم کنترلش کنم و بر آن چیره شوم».

در قسمت بعدی رقابت، رقابت و رقابت. درگیری با بحران تازه‌ای

نگاهی به «گامبی وزیر» که سریالی مهم اما با رویکردی علیه مذهب است

همه چیز فدای ورزش!

بخورد و این مبارزه‌جویی نخستین روشی است که در بازی شطرنج به او آموخته می‌شود. این روحیه آنچنان در شخصیت الیزابت به تصویر کشیده شده که حتی پس از ۲ بار شکست از رقیب قدر روس خود، باز هم دوست دارد یک بار دیگر شانس خود را برابر او امتحان کند؛ همان الگوی معروف سینمای کلاسیک پیرامون قصه قهرمانی که بعد از چند بار شکست با اتکا به توانایی‌های فردی‌اش و رسیدن به خودشناسی، در نهایت بر رقیب قدرتمندش فائق می‌آید.

در این میان نباید از درخشش خیره‌کننده آنا تیلور جوی در نقش «الیزابت» یا همان «بث» غافل شد؛ ستاره‌ای که بعد از چند سال فعالیت در عرصه هنر تصویر و با درخشیدن در فصل پنجم سریال «بیکلی بلاندرز»، توانست با حضور در قامت نقش اول «گامبی وزیر» توانایی‌اش در عرصه بازیگری را بیش از پیش به رخ بکشد. البته که باید در این سریال نقش مهم نقش‌های فرعی را هم در نظر گرفت؛ کیست که نداند نقش یک مکمل خوب و در اصطلاح پارتیزن حرفه‌ای با اندازه خود بازیگر اصلی در بهتر از آب در آمدن نقش تا چه اندازه مهم و مؤثر است؟

«گامبی وزیر» البته با وجود پتانسیل بسیار زیادی که برای غلظتین در زمین بازی‌های سیاسی داشت، سعی کرد به بهانه شطرنج نشان دهد که اساساً ورزش سیاسی نیست؛ چه آنجا که سران کاخ سفید به دنبال بهربرداری از موفقیت او بودند- الیزابت پیشنهاد حضور در جشن میهمانی رئیس‌جمهور آمریکا را رد کرد- و چه در ماجرای نمایش

پیوند خوردن زندگی‌اش با ورزش سوژه اصلی این درام می‌شود. البته نباید این نکته را فراموش کرد که «گامبی وزیر» اساساً سریالی درباره زندگی است که شطرنج پهنه‌ای برای ساخت آن شده است؛ روایت دختری تنها که باید با جامعه زن‌ستیز دوران خود مواجه شود و توانایی‌هایش را اثبات کند. «الیزابت هارمن» یا همان دختری که بیشتر «بث» صدا زده می‌شود، الگویی از همان قهرمان معروف آمریکایی است، همان قهرمانی که شاید از کار گروهی نیز بهره بگیرد اما در نهایت این هوش و ذکاوت فردی است که باعث غلبه او بر حریف روس می‌شود.

مهم‌ترین نکته درباره «گامبی وزیر» تأکید سریال بر این است که راه شکوفایی استعدادها از مسیر بازگشت به خویشتن و اتکا به خود به دست می‌آید. قسمت آخر سریال را به خاطر بیابردید؛ آنجا که الیزابت به تیم‌خانه دوران کودکی‌اش بازمی‌گردد، همان‌جا که برای نخستین‌بار پی می‌برد چقدر به شطرنج علاقه دارد و برای نخستین‌بار طعم شیرین برد در زمین شطرنج را که برای او به‌مثابه زمین زندگی بود، چشید. الیزابت موفقیتش را مدیون حضور در این محیط و آموزش دیدن توسط سرایدار سپرد و برای موفقیت و به دست آوردن تمرکز بیشتر، صرفاً به استفاده از فرصت‌های آرام‌بخش و بعد از آن نیز به مشروبات الکلی متوسل شد، به بیراهه‌های کشیده شد که هر بار نتیجه‌ای جز شکست در برابر حریف قدرتمند روسش نداشت ولی حضور در تیم‌خانه و بازگشت به خویشتن و یادآوری جایگاهی که پیش از این در آن قرار داشت، باعث



احسان سالمی: ورزش همیشه منبعی بی‌کران از سوژه‌ها را در اختیار سینما قرار داده است؛ چه بسیار فیلم‌ها و سریال‌هایی که در داخل و خارج از ایران با محوریت موضوعات مرتبط با ورزش ساخته شد و مورد اقبال مخاطبان قرار گرفت. این حقیقتی انکارناپذیر است که اساساً ژانر ورزشی، فقط مختص مخاطبان ورزش‌دوست و ورزشکار نیست، بلکه این ژانر به دلیل تلفیق ورزش با زندگی و ابعاد مختلف آن همیشه برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان جذاب بوده و هست و هر کس در این امر یعنی پیوند زدن زندگی با ورزش موفق‌تر عمل کند، در ارتباط گرفتن با گروه بیشتری از مخاطبان موفق خواهد بود.

آنچه باعث شده «گامبی وزیر» تبدیل به اثری درخشان در عرصه سریال‌سازی شود، دقیقاً توجه به همین نکته ریز است؛ پیوند زدن ورزش و زندگی و تشبیه شطرنج به عنوان یک رشته ورزشی فکری به صحنه زندگی، که باید در آن با تمام توان و فکر به دنبال اتخاذ بهترین تصمیمات بود. «گامبی وزیر» یا تشبیه شطرنج به زندگی، از یک زمین سوخته، فرصتی برای درخشیدن را مهیا می‌کند. اساساً رشته‌های ورزشی پر تحرک‌تر مثل فوتبال و والیبال یا ورزش‌های رزمی و کشتی به‌واسطه شور و حرارتی که دارند برای مخاطبان جذابیت بیشتری دارند اما هیچ‌کس تصور نمی‌کرد که ورزشی فکری همچون شطرنج نیز بتواند برای مخاطبان سینما جذاب باشد. این از معجزات هنر تصویر و نمایش است که می‌تواند چنین ورزشی را هم تبدیل به یک سوژه هم‌پسند کند. شطرنج به زندگی واقعی تشبیه می‌شود و دختری که از یک تیم‌خانه وارد این بازی بزرگ می‌شود و

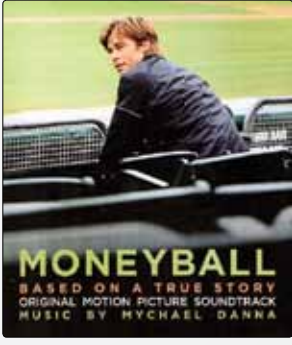
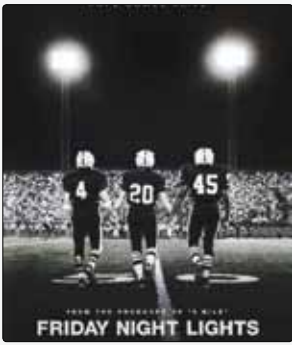
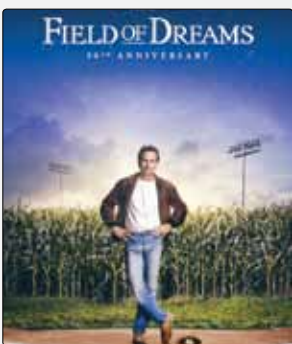
چرا «گامبی وزیر» و موفقیت آن، مسأله توجه به «اقتباس» را جدی‌تر می‌کند؟

رمز موفقیت: اقتباس

اقتباس همیشه به عنوان یکی از اصلی‌ترین راه‌های برون‌رفت سینما از موقعیت آچمز یا همان بن‌بست شناخته شده است؛ دانستن‌هایی که می‌توانند الهام‌بخش نویسندگان و فیلمسازان برای ساخت فیلم‌ها و سریال‌های گوناگون شوند. اتفاقاً معمولاً آثاری که با استفاده از این الگو یعنی «اقتباس» از آثار مکتوب ساخته می‌شوند، از جذابیت بیشتری نیز برای مخاطبان برخوردارند.

طبیعتاً فیلم‌های ورزشی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و نیستند و هر جا گرفته، توانسته موفق ظاهر شود. «گامبی وزیر» نیز یکی از آخرین و البته بهترین نمونه‌های این موضوع است. شاید کمتر کسی بداند که ماجرای به تصویر کشیده شده در این سریال با استناد به قصه یک رمان ساخته شده است. کتاب «گامبی وزیر» یا «حرکت اول ملکه» نوشته «التر تویس» نویسنده آمریکایی، اثری است که برای نخستین‌بار سال ۱۹۸۳ منتشر شد و از ۳ دهه بعد مرجعی برای ساخت سریال «گامبی وزیر» شد. البته که بسیاری قصه این کتاب را ادای دینی به شخصیت حقیقی «بابی فیشر» نابغه جوان آمریکایی شطرنج می‌دانند اما خود نویسنده در گفت‌وگویی آن را ادای دینی به زنان تیزهوش می‌داند. در هر صورت هر چه که نیست بود؛ این رمان به بهترین شکل توانست مرجع ساخت اثری سریالی در سینمای هالیوود شود. اخیراً شبکه نتفلیکس بعد از حدود یک ماه از انتشار سریال «گامبی وزیر» آمار بازدید آن را در سروس خود اعلام کرد. بنا به تئوریتی که شبکه نتفلیکس منتشر کرده بود، این سریال در ۲۸ روز اول نمایشش توسط ۶۲ میلیون خانوار دیده شد؛ آماره‌ای که آن را به برترین‌ترین

سریال «گامبی وزیر» را در سروس خود اعلام کرد. بنا به تئوریتی که شبکه نتفلیکس منتشر کرده بود، این سریال در ۲۸ روز اول نمایشش توسط ۶۲ میلیون خانوار دیده شد؛ آماره‌ای که آن را به برترین‌ترین



سریال «گامبی وزیر» را در سروس خود اعلام کرد. بنا به تئوریتی که شبکه نتفلیکس منتشر کرده بود، این سریال در ۲۸ روز اول نمایشش توسط ۶۲ میلیون خانوار دیده شد؛ آماره‌ای که آن را به برترین‌ترین

سریال «گامبی وزیر» را در سروس خود اعلام کرد. بنا به تئوریتی که شبکه نتفلیکس منتشر کرده بود، این سریال در ۲۸ روز اول نمایشش توسط ۶۲ میلیون خانوار دیده شد؛ آماره‌ای که آن را به برترین‌ترین

نگاهی متفاوت به سریال «گامبی وزیر»

تحقیر حریف در زمین حریف!

میکائیل دینانی: از دوران کودکی از کنار میز شطرنج رد نمی‌شدم. منج و ماریله بیشتر برایم ترغیب به بازی ایجاد می‌کرد تا شطرنج! هیچ وقت نمی‌دانستم چگونه می‌شود نه در پشت میز شطرنج، بلکه حتی پای تماشای بازی شطرنج ۲ نفر به هیجان آییم! اما «گامبی وزیر» این هیجان را برایم به عنوان مخاطب به همراه آورد و هر کس مثل من را برای تماشایش به وجد آورده است. شاید همین یک ویژگی توانسته این سریال را متفاوت کند. اما برپیننده شدن این سریال، لزوماً با ذهن من همخوان نیست، چرا که من آن را در قالب یک سریال سرگرم‌کننده ساده ندیدم. روایت آمریکای چندپاره و مشتج و متشتت که نظام خانواده در آن دچار فروپاشی شده است. در قاره‌های سینمای کلاسیک است و کارگردان خیلی تلاش نکرده تصویری عجیب و غریب را به مخاطب نشان دهد. اگر چه فیلمبرداری و جلوه‌های بصری ویژه‌ای دارد و دوربین و دکوپاژ آن - بویژه برای انتقال سکانس‌ها- تبدیل به یک عنصر جدی شده است اما در کلیت فیلم بر قواعد و چارچوب‌های دکوپاژی و میزانشنی کلاسیک استوار است و ساختنی ساده و در عین حال روان و جذاب دارد. «اسکات فرانک» به همراه «آلن اسکات» خالقان سریال «گامبی وزیر» هستند. اسکات فرانک سابقه درخشانی در سینما دارد و ۴ نامزدی اسکار را برای نوشتن فیلمنامه اقتباسی «لوگان» و «خارج از دید» تجربه کرده است و می‌توان مهم‌ترین نقطه قوت این سریال را نیز قصه آن دانست. نقطه اتکای سریال برای مخاطبان جایی است که داستان گویی، بعد جدی‌تری از خود را نمایش می‌دهد؛ قصه‌ای که در ابتدا جایگاهی داخلی دارد اما در اصل قرار است حرف بزرگ‌تری را بزند؛ نزاعی در سطح ۲ ابرقدرت جنگ سرد «آمریکا» و «شوروی» و جذابیت فیلمنامه نیز بیوستگی همین مسأله است؛ وقتی همه چیز از زیرزمین تیم‌خانه‌ای در یکی از ایالت‌های آمریکا شروع می‌شود و به مجمع شطرنج‌بازان بزرگ جهان در مسکو ختم می‌شود.

۳ قسمت اول این سریال مقدمه‌ای است برای ورود به جریان اصلی فیلم که همان نزاع کلان «راست و چپ» سیاست جهان است. ۳ قسمت ابتدایی در شخصیت‌پردازی «بث هارمن» و هم‌تیمی‌هایش می‌گذرد و از قسمت چهارم مسأله اصلی مبارزه با شوروی به عنوان خط اصلی داستان ترسیم می‌شود.

انتخاب شطرنج به عنوان مسأله اصلی داستان از چند بعد حائز اهمیت است؛ اول آنکه شطرنج در ادبیات نمادین و نشانه‌گذاری‌ها، نمادی از مبارزه هوشمندانه است؛ مبارزه‌ای که شاید رقابت نزدیکی به همان جنگ سرد داشته باشد و میدان شطرنج به میدان مبارزه می‌ماند. یک طرف شطرنج را یک آمریکایی - بث هارمن- تشکیل می‌دهد و طرف دیگر را بورگوف به عنوان نمادی از «شوروی»؛ یک استاد بزرگ شطرنج جهان! رقابتی در زمین بازی‌ای که اساساً برای

انتخاب شطرنج به عنوان مسأله اصلی داستان از چند بعد حائز اهمیت است؛ اول آنکه شطرنج در ادبیات نمادین و نشانه‌گذاری‌ها، نمادی از مبارزه هوشمندانه است؛ مبارزه‌ای که شاید رقابت نزدیکی به همان جنگ سرد داشته باشد و میدان شطرنج به میدان مبارزه می‌ماند. یک طرف شطرنج را یک آمریکایی - بث هارمن- تشکیل می‌دهد و طرف دیگر را بورگوف به عنوان نمادی از «شوروی»؛ یک استاد بزرگ شطرنج جهان! رقابتی در زمین بازی‌ای که اساساً برای

